

آموزش صلح

دفاع از صلح در ذهن‌ها شکل می‌گیرد

زری آقاجانی
قسمت اول

نباشد. اگر قدری بیندیشیم ارزش صلح را در مقابل مشکلات و ویرانگری جنگ‌ها بهتر درک می‌کنیم. اغلب جنگ‌ها و درگیری‌ها به دلیل نبود درک متقابل و رعایت اصول و مبانی گفت‌وگو ایجاد می‌شود. اکنون که در قرن بیست‌ویکم به‌سر می‌بریم، وقت آن رسیده است که مهارت‌های لازم برای پرورش نسلی آزاده و صلح‌جو را کسب کنیم تا بتوانیم هر چه صحیح‌تر آن را انتقال دهیم. در این فرصت از ایجاد صلح و چگونگی رسیدن به آن و به عبارت دیگر آموزش صلح در حد بضاعت گفت‌وگو خواهیم کرد تا یاد بگیریم که برای ساختن یک رابطه‌ی مسالمت‌آمیز چگونه باید رفتار کرد. امروز دیگر سخن از آموزش صلح در جهان، سخن غریب و ناممکنی نیست. چندی است نظام آموزشی بیشتر کشورها به این مقوله نه در حد یک کارگاه غیررسمی آموزشی بلکه به‌عنوان یک واحد درسی می‌پردازند؛ تا آنجا که برنامه‌ریزان درسی برای این نوع آموزش در

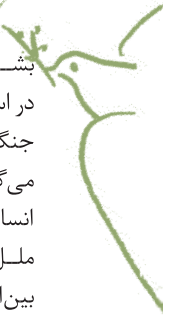
اشاره

این سلسله مباحث با عنوان «آموزش صلح» یا «ایجاد رابطه‌ی مسالمت‌آمیز» از موضوعاتی است که در آموزش و پرورش جایگاه خاصی یافته است و نگاه به آن هر روز اساسی و ژرف می‌شود. انسان امروز بیش از هر زمان دیگری به آرامش و گفت‌وگو نیاز دارد؛ این نیاز به حدی است که سازمان‌های جهانی نیز به آن توجه نشان داده‌اند.

از آن جاکه در مفاهیم دینی نیز بر صلح تأکید شده و سنن کودکی بهترین زمان برای ترویج آن است، بر آنیم که در چند شماره از مجله نظر مخاطبان و آموزگاران را به این موضوع جلب کنیم.

نبود درک متقابل

واژه‌ی صلح خودبه‌خود کلمه‌ی متضاد آن یعنی جنگ را در ذهن متبادر می‌سازد. شاید هم این هم‌نشینی ناخودآگاه بی‌حکمت



بشر بر پایه‌ی منشور ملل متحد بوده است. در اساس نام‌هی یونسکو آمده است: «چون جنگ‌ها، نخست در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرند، دفاع از صلح نیز می‌بایست در ذهن انسان‌ها شکل گیرد.» به همین منظور سازمان ملل متحد دهه‌ی ۲۰۱۰-۲۰۰۰ را دهه‌ی بین‌المللی «فرهنگ صلح و عدم خشونت» نامید.

از آن‌جا که صلح محقق نخواهد شد مگر با آموزش، یونسکو در پی آن است که از طریق ایجاد تحول در آموزش و تلاش در جهت کاهش خشونت و در نتیجه حذف آن، جهانی بر پایه‌ی صلح و آرامش بنا کند. یونسکو همراه با جهانی شدن، آموزش‌هایی را به‌خصوص در مدارس ابتدایی با هدف آگاه ساختن کودکان از مسائل جهانی از قبیل توسعه‌ی پایدار، حقوق بشر، صلح و امنیت مطرح کرده است. هم‌چنین، این سازمان آموزش صلح را در اکثر کشورهای دنیا در ردیف آموزشی مدون مطرح کرده و از آن به‌عنوان یک ضرورت مهم در ایجاد امنیت نام برده است.

از منظر دینی نیز، صلح یکی از اصول مورد تأکید و قابل ستایش در ادیان، به‌خصوص دین اسلام است. طبق نظر اسلام، ایمان به خدای واحد و پدر و مادری مشترک بزرگ‌ترین دلیلی است که انسان‌ها با یکدیگر با صلح و برادری رفتار کنند. در قرآن «بشیرت» یک «خانواده» شناخته می‌شود و از این‌رو، دیدگاه صلح جهانی از منظر قرآن، کل جهان را تحت رهبری حضرت محمد(ص) و فرزند قائم او حضرت مهدی(ع) می‌داند و تحقق عشق، عدالت و صلح واقعی برای تمام انسان‌ها را به ظهور آن حضرت منوط می‌داند. در عین حال، از مردم می‌خواهد که برای هر چه زودتر محقق شدن صلحی اصیل و فراگیر با یکدیگر با دوستی و برادری رفتار کنند.

هدف از آموزش صلح آشنا کردن کودکان با اصولی است که به کمک آن‌ها انواعی از روش‌های برقراری ارتباط را بشناسند و بتوانند خشونت و درگیری را کنترل و از عواقب آن‌ها دوری کنند. برای رسیدن به چنین هدفی آموزش و پرورش با طرح برنامه‌ی درسی آموزش فرهنگ صلح از طریق مدارس و با همت آموزگاران، مناسب‌ترین مجری آموزش صلح

و برقراری آرامش در میان کودکان و نوجوانان ایران اسلامی خواهد بود. دیدگاه صلح ارتباط مستقیمی با آموزش دارد. هر چه آموزش گسترده‌تر و از سطوح پایین‌تر و در راستای برقراری عدالت، توسعه و کرامت انسانی باشد، به معنای واقعی صلح، یعنی صلح مثبت، نزدیک‌تر خواهد شد. در همین راستا برای آموزش صلح در مدارس ارائه‌ی سلسله مطالب کاربردی در دوره‌ی ابتدایی لازم به‌نظر می‌رسد تا آموزگاران محترم با استفاده از آن‌ها بتوانند اصول اولیه‌ی رابطه‌ی مسالمت‌آمیز را، که به حل تعارض‌ها بدون درگیری و نزاع می‌انجامد، تعلیم دهند. بر این اساس، با استناد بر پژوهش‌های دانشگاهی، کتاب‌ها و پایگاه‌های ارتباطی معتبر در زمینه‌ی آموزش صلح به کودکان، مطالب کلیدی و کاربردی قابل توصیه در مدارس و کلاس‌ها طی چندین طرح درس پیشنهاد می‌گردد تا قدم کوچکی در راه احیای صلح و دوستی در افکار و اذهان نسل جوان و پویای ایران اسلامی برداشته شود.

آموزش صلح

کسی که چیزی ندارد، نمی‌تواند آن را ببخشد. بنابراین، کسی که در درون آرامش ندارد، چگونه قادر است با دیگران در صلح و آرامش به‌سر برد؟ افراد به‌دلیل اینکه نمی‌دانند و نمی‌توانند در شرایط تعارض خود را کنترل کنند با دیگران دچار مشکل می‌شوند. برخی افراد در اثر فشارهای بیرونی و ناگهانی و خونسرد نبودن خیلی زود واکنش می‌دهند. این نوع واکنش‌ها ممکن است نشانه‌ی نیاز فرد به توجه به درون خود و هماهنگی افکار باشد. انگیزه، گفتار و اعمال ما با درونمان در ارتباط‌اند؛ جایی که صلح، قدرت و حقیقت منزل دارند. صلح از درون شامل افکار خالص، احساسات پاک، انگیزه و آمال‌های روشن و واضح است.

در دنیای امروز صلح کالایی کمیاب است و این امر در نارضایتی افراد و عدم تفاهم ملت‌ها و جوامع مشهود است. فرهنگ صلح برای زندگی معنا دار با یکدیگر لازم است. در دنیایی که تنوع زیادی در فرهنگ، جوامع و در نحوه‌ی

زندگانی افراد وجود دارد، ارزش‌های انسانی والا و اصیل بر این تفاوت‌ها فائق می‌آیند و هم‌بستگی را تضمین می‌کنند.

فرایند ایجاد صلح از درون ذهن و قلب افراد شروع می‌شود و وقتی با دیگران به اشتراک گذارده می‌شود، به صلح می‌انجامد. در جریان آموزش صلح، دانش‌آموزان در تنظیم اهداف، مفاهیم، ارزش‌ها و مهارت‌هایی برای به تصویر کشیدن آینده‌ای صلح‌آمیز آشنا می‌شوند. برای نیل به این هدف مهم باید مدرسه و کلاس‌ها با دوستی و صلح‌طلبی آمیخته شود.

مدرسه‌ی صلح طلب

برای القای عقاید، چشم‌اندازها و ارزش‌های صلح در کلیه‌ی ارکان مدرسه و حتی بیرون از آن همه‌ی مدرسه باید همکاری کنند. در رویکرد مدرسه‌ی صلح‌طلب، همه‌ی حوزه‌های یادگیری و اعضای مدرسه (دانش‌آموزان، معلمان و کارمندان) به‌کار گرفته می‌شوند.





آموزش کل نگرانه: اهداف شناختی، عاطفی و رفتاری را ارتقا می دهد. اغلب توجه آموزش به انتقال مفاهیم است. در زمینه آموزش صلح هدف ها سه قسمت هستند:

اول: درک حقایق، اصول و مفاهیم خشونت و ایجاد آگاهی درباره ی ریشه های صلح دوم: ایجاد علاقه و رشد مفاهیم همدردی، دلسوزی، امید و تعهد اجتماعی. هریس و موریس (۲۰۰۳) آن را افزایش بی نهایت حساسیت اخلاقی در ایجاد ظرفیت یادگیرندگان برای اهمیت به دیگران می نامند. سوم: اقدامی قاطعانه برای تغییر ذهنیت و نگرش فردی و ارائه ی رفتاری مناسب در مواقع خشونت.

آموزش مشارکتی: برای یادگیرنده فرصت پرسش، شرکت، همکاری و هم چنین مجال گفت و گو با معلم و هم کلاسی ها را فراهم می کند. تمرین بیان و گوش دادن به اظهار نظرهای متفاوت در گسترش دیدگاه ها بسیار مهم است. چنین مهارتی برای دنیایی که در آن بیشتر تعارض ها به دلیل امتناع مردم از شنیدن یکدیگر حل نشده باقی می ماند، مؤثر است. در یادگیری مشارکتی آموزگار بیشتر نقش تسهیل گر دارد تا قدرت مطلق. در این دیدگاه حتی اگر معلم درباره ی مطلبی موضع قطعی داشته باشند، قبل از اینکه اقدامی در آن مورد انجام دهند، دانش آموزان را به بیان دیدگاه هایشان تشویق می کنند (مک جینس، ۱۹۸۴). آموزش مشارکتی به معنای دور شدن از شیوه ی سنتی است. رعایت فرایند مساوات و برابری در کلاس به ارتقای دانش، مهارت ها و نگرش های لازم برای تربیت یک شهروند مناسب کمک می کنند.

آموزش همیاری: به یادگیرندگان فرصت هایی برای یادگیری با یکدیگر می دهد تا رقابت. آموزش همیاری در کنار افزایش انگیزه برای یادگیری روابط بین دانش آموزان را بهبود می بخشد، با تکرار و مقابله و نفاق و حسادت را کم می کند. حس بیگانگی و انزوا را از بین می برد و نگرش های مثبت را جایگزین می سازد. در کلاس همیاری دانش آموزان یاد

هم چنین سایر جوانب مانند تمرین های آموزشی، روش های تدریس، فعالیت های دانش آموزان، تدابیر اجرایی، ساختار و روابط مدرسه تحت تأثیر قرار می گیرند. اهمیت رویکرد مدرسه ی صلح طلب در این است که ارزش ها و پیام های پی ریزی شده در صلح پایدار، در ارکان مختلف مدرسه، یادگیری های قصد شده را تقویت و تسهیل می کند. مدرسه ی صلح طلب باید آمادگی «تقابل فرهنگی» برای کسب الگوی غالب را داشته باشد و آغاز کننده و تسهیل گر نقل و انتقال مورد نیاز باشد. این به یقین فرایندی طولانی و دشوار خواهد بود.

رویکردهای یاددهی - یادگیری در آموزش صلح

در آموزش صلح شیوه ی آموزش هم به اندازه ی مطالب و محتوا اهمیت دارد. بنابراین، رویکردهای یاددهی - یادگیری هماهنگ با آموزش صلح عبارتند از: کل گرایانه، مشارکتی، همیاری، تجربی و انسان گرایانه.

می گیرند که به یکدیگر اعتماد کنند. بسیاری از مشکلات به واسطه ی همیاری برطرف می شود. اگر دانش آموزان فرایندهای همیاری را در کلاس تجربه کنند، چنین عادت های را به همیاری های بیشتر نیز سوق خواهد داد (هریس و موریسون، ۲۰۰۳).

آموزش آزمایشگاهی: آموزش تجربی یا آزمایشگاهی به معنای یادگیری از طریق آزمایش نیست بلکه به واسطه ی فرایند تجربیات فرد از فعالیت های آغاز شده در کلاس است. بنابراین، سخنرانی به حداقل می رسد. یادگیرندگان از طریق درگیر شدن در فعالیت ها مفاهیم و دیدگاه هایشان را شکل می دهند. در روان شناسی آموزش این رویکرد به رویکرد ساختارگرایی شبیه است. معلمان در این ساختار، فرایند محور و انعطاف پذیرند و از تغییر شرایط استقبال می کنند. کلاس ساختارگرا به رشد انسان هایی کمک می کند که در خلق دیدگاه های جدید مهارت دارند.

آموزش انسان گرایانه: کارل راجرز و آبراهام مازلو از طرف داران آموزش انسان گرایانه هستند. کلاس انسان گرایانه بر رشد عاطفی و اجتماعی یادگیرندگان تأکید می کنند. در کلاس انسان گرایانه، افراد همان گونه که هستند، پذیرفته می شوند. در این دیدگاه مفهوم «خود» تا عزت نفس افزایش می یابد و این باور را می دهد که همه ارزشمند و توانمندند. مک جینس (۱۹۸۴) بیان می کند که بدون «خودپنداره یا خودانگاره ی مثبت» هیچ کس نمی تواند در وضعیت «عام» قرار بگیرد و یا برای تغییر فعالیت کند. او هم چنین مسلم می داند که هر چه ما از توانایی هایمان آگاه تر باشیم، بیشتر باید تمایل داشته باشیم که آن را با دیگران تقسیم کنیم. معلمان در کلاس انسان گرا، تأکیدکننده و همدلند. آنان به سعادت مندی دانش آموزان علاقه مندند و به احترام و توجه آنان به یکدیگر در کلاس اهمیت می دهند. توجه به تنوع فرهنگی نیز برای آنان بسیار مهم است. چنین رویکردی بذر محبت و همدلی را، که برای ساختن جامعه ی صلح آمیز ضرورت دارد، پرورش می دهد.